

Localized curriculum, undeniable necessity for multigrade classes

Samane Taherizade, Rasoul Shabany

¹ PhD in Curriculum, Lecturer at Farhangian University, Shahid Bahonar Campus, Arak, Iran.

² PhD in Curriculum, Department of Education of Delijan County, Delijan, Iran.

Abstract

The curriculum planning of multigrade classes is a challenging topic in advanced and developing countries. In these countries, curriculum planning of multigrade classes is considered to be essential in terms of necessity, efficiency and practicality. This review article is based on a library methodology and review articles that are based on databases such as Irandoc, sid, Magiran, Noormags and Googol Scholar was searched and by presenting some theoretical concepts and the results of research in this field, the reasons for the need to pay more attention to the national curriculum into multigrade classes and the formulation of a special curriculum for these classes has been explained. The paper studies concluded that multigrade classes are one of the neglected aspects of the national curriculum, and given the existence of these classes in our country's formal education system, it is necessary to provide the necessary structures and supports for qualitative education in these conditions. Therefore, the provision of a localized curriculum for these classes is an indispensable necessity.

Keywords: localized curriculum, national curriculum, neglected curriculum, multigrade class.

برنامه درسی بومی‌شده، ضرورت انکارناپذیر برای کلاس‌های چندپایه

سمانه طاهری‌زاده*، رسول شعبانی

^۱ دکتری برنامه‌ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدباهنر، اراک، ایران.

^۲ دکتری برنامه‌ریزی درسی، اداره آموزش و پرورش شهرستان دلیجان، دلیجان، ایران.

چکیده

برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های درس چندپایه از موضوعات چالش‌برانگیز در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. در این کشورها، برنامه‌ریزی درسی چندپایه از حیث ضرورت، کارایی و عملی بودن مورد توجه و بحث جدی قرار دارد. مقاله مروری حاضر با استفاده از منابع موجود در کتابخانه چاپی و به‌کارگیری موتور جستجوی گوگل اسکولار (google scholar) پایگاه‌های داده‌ای مثل مرکز پایان‌نامه‌های ایرانی (IranDoc)، جهاد دانشگاهی (sid)، مگ ایران (magiran)، نورمگز (noormags) را بررسی و به ارائه برخی از مفاهیم نظری و نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، به تشریح دلایل لزوم توجه بیشتر برنامه درسی ملی به کلاس‌های چندپایه و تدوین برنامه درسی خاص برای این کلاس‌ها پرداخته است. یافته‌ها بیانگر آن است که کلاس‌های چندپایه، یکی از جنبه‌های مغفول برنامه درسی ملی است و با توجه به وجود این کلاس‌ها در نظام آموزش رسمی کشور ما، ارائه ساختارها و پشتیبانی‌های لازم جهت آموزش کیفی در این شرایط، ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین تدارک یک برنامه درسی بومی‌شده برای این کلاس‌ها یک ضرورت انکارناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی بومی‌شده، برنامه درسی ملی،

برنامه درسی مغفول، کلاس چندپایه

مقدمه

چراکه کاهش جمعیت روستاها به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها، کاهش رشد جمعیت کشور و بالارفتن سن ازدواج باعث کاهش جمعیت دانش‌آموزی و در نتیجه افزایش کلاس‌های چندپایه شده است (Samadiyan, 2006). معلم کلاس چندپایه، معمولاً با چالش‌ها و فشارهای بیشتری نسبت به معلم کلاس تک‌پایه روبروست. به دلایل مختلف، تدریس چندپایه به مهارت‌های اضافی نیاز دارد. تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس، وجود سطوح یادگیری متفاوت در کلاس و دوردست قرار داشتن این مدارس از جمله مسائلی است که یک معلم چندپایه با آن سروکار دارد (Wallace & Masvet, 2005).

آمارهای رسمی و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که در ایران بیش از یک میلیون دانش‌آموز در کلاس‌های درس چندپایه مشغول به تحصیل‌اند. مدیریت یادگیری در کلاس‌های درس چندپایه را ۴۰ تا ۴۸ هزار معلم، در بیش از ۴۰ هزار کلاس یا کلاسواره هدایت می‌کنند. به جز اندک معلمان آموزش‌دیده، مدیریت یادگیری کلاس‌های درس چندپایه را معلمان آموزش‌ندیده و با مدارک تحصیلی نامرتب به تدریس و تعلیم به عهده دارند. بیشتر معلمان شاغل در کلاس‌های درس چندپایه مشکلات خود را کم بودن زمان تدریس، عدم آمادگی برای مدیریت این‌گونه کلاس‌ها و حتی کلاس‌های تک‌پایه، عدم تناسب محتوا با ماهیت کلاس‌ها و روشن نبودن چگونگی ارزشیابی یادگیری می‌دانند (Aghazade, 2016).

به اعتقاد آیزنر (Eisner)، مدارس به‌طور هم‌زمان سه نوع برنامه درسی را آموزش می‌دهند که شامل برنامه درسی آشکار (رسمی)، برنامه درسی پنهان (ضمنی) و برنامه درسی مغفول است؛ «برنامه درسی آشکار»، تمام آن چیزی است که طراحی شده، تدریس شده و نمره داده می‌شود؛ «برنامه درسی پنهان»، آن دسته از آموخته‌های دانش‌آموزان است که در ضمن یادگیری‌های صریح و آشکار اتفاق می‌افتد و بر

تدریس در کلاس‌های چندپایه (multigrade classes) برای هیچ‌یک از کشورها، پدیده تازه‌ای نیست. تعداد زیادی از معلمان سراسر دنیا در کلاس‌های چندپایه تدریس می‌کنند یا کلاس‌های بیش از یک‌پایه دارند، زیرا کلاس‌های چندپایه در اکثر دستگاه‌های آموزشی دنیا رواج دارد و شمار آنها در حال افزایش است (Mortazavizade et al, 2018). دلیل اصلی تشکیل کلاس‌های چندپایه به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان در یک پایه تحصیلی است. معمولاً نظام آموزشی هر کشور، حد نصاب تعداد دانش‌آموزان برای رسمیت یافتن کلاس‌های درس را در هر پایه تحصیلی تعیین و ابلاغ می‌کند. کلاس‌های چندپایه که در آن یک معلم در چندپایه تحصیلی تدریس می‌کند، روشی مؤثر برای افزایش دسترسی به آموزش در مناطق روستایی است. این طرح، علاوه بر آنکه مسئله غیراقتصادی بودن کلاس‌های کم‌تعداد را حل می‌کند، پایه‌های تحصیلی را نیز تکمیل می‌نمایند (Lockheed, 1992). انتخاب کلاس‌های چندپایه در آموزش و پرورش کشورها، راه‌حل انتخاب اصلی یعنی کلاس‌های رایج در مدارس عادی نیست بلکه این انتخاب، انتخاب بین دسترسی به آموزش و پرورش و یا محرومیت از آن است. کلاس‌های چندپایه در اکثر موارد بر اساس نیاز ایجاد شده‌اند، از این‌رو تفاوتی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در استفاده از این کلاس‌ها وجود ندارد. دسترسی به پوشش کامل در دوره ابتدایی در اروپا و شمال آمریکا با تشکیل کلاس‌های چندپایه امکان‌پذیر شده است. افزایش پوشش تحصیلی در کشورهای در حال توسعه نیز مدیون تشکیل کلاس‌های چندپایه است (Masvet & Wallace, 2005). با توجه به شرایط اقلیمی کشور و نیز وضع اقتصادی حاکم بر مناطق روستایی دورافتاده، تشکیل کلاس‌های چندپایه در دوره ابتدایی با امکانات آموزشی و رفاهی بسیار پایین، موقعیتی است که نباید نادیده گرفته شود.

برنامه درسی را به دوش بکشند و در تحقق اهداف برنامه درسی کامیاب باشند (Aghazade, 2016).

به استناد راهکار ۵/۳ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنی بر توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ‌نشین و هم‌چنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و باکیفیت (Fundamental Reform Document of Education, 2011) و توجه به این نکته که درصد بیشتری از پوشش تحصیلی مناطق روستایی، عشایری و کمتر توسعه‌یافته را مدارس چندپایه تشکیل می‌دهد، نظام آموزشی کشور موظف است در راستای گسترش پوشش تحصیلی، بسط عدالت آموزشی و کیفیت‌بخشی به فرآیند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه برای تشکیل و مدیریت این نوع کلاس‌ها، اقدامات مقتضی را انجام دهد.

آموزش و پرورش از بنیادی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است که در چگونگی وضعیت کنونی و آینده جامعه نقش بی‌بدیل دارد. تصمیم‌گیری در خصوص مسائل اساسی آموزش و پرورش به‌خصوص در حوزه برنامه‌ریزی درسی مستلزم توجه همه‌جانبه به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است که در قالب اسناد فرادستی از جمله برنامه درسی ملی تدوین می‌شود و هدف آن ایجاد تحولی بزرگ در آموزش و پرورش است. اگرچه در نظام آموزش و پرورش کشور ما، به‌منظور برقراری عدالت آموزشی، یعنی دادن حق طبیعی آموزش به تمامی کودکان واجب‌التعلیم کشور، از تدریس در کلاس‌های چندپایه استفاده می‌شود، اما بررسی‌های انجام شده در این مقوله مهم آموزشی و پرورشی، اجمالی و پراکنده‌اند و هیچ‌گونه اقدام جدی و مثبتی در این زمینه صورت نگرفته است. حتی از نتایج بررسی‌های انجام شده نیز استفاده‌ای نشده است. با یک بررسی اجمالی در برنامه درسی ملی، می‌توان دریافت که در کشور ما، این بخش از

شکل‌گیری تجارب، نگرش‌ها و ارزش‌ها بر یادگیرندگان تأثیری گذارد؛ «برنامه درسی مغفول»، آن بخشی از برنامه درسی است که مورد غفلت قرار گرفته و حذف شده است و دانش‌آموزان، هرگز فرصت نخواهند کرد که آنها را بیاموزند؛ این برنامه، شامل ارزش‌ها و دانش‌هایی است که مدارس به آموزش آنها اقدام نمی‌کنند، هرچند که ممکن است اهمیت آنها بیشتر از مواردی باشد که مدرسه آنها را آموزش می‌دهد. از نظر آیزنر برنامه درسی مغفول، برنامه‌ای است که بی‌دلیل، ناآگاهانه و به‌طور غیرمعمول حذف شده است و بر اثر شتاب‌زدگی، سنت، عادت و ... به وجود آمده است (Eisner, 1998). اهمیت برنامه درسی مغفول بدان دلیل است که توجه متصدیان و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی را به تأمل درباره آنچه از دستور کار برنامه درسی آشکار حذف شده، جلب می‌کند. در این راستا، پویایی برنامه درسی حفظ و برنامه درسی از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت رهانیده می‌شود؛ از طرف دیگر، به مدد شناسایی برنامه درسی مغفول، تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی جدید یا تحلیل برنامه درسی کنونی، میسر می‌شود (Mehrmohammadi, 2008).

با وجود آنکه روند شکل‌گیری کلاس‌های درس چندپایه رو به افزایش است (با در نظر گرفتن گسترش آموزش برای آحاد جامعه در همه‌جا و وارد کردن افراد بازمانده از تحصیل به چرخه تحصیل)، نظام‌های آموزشی همچنان بر بهره‌گیری از کلاس‌های درس تک‌پایه و تدارک برنامه‌های درسی متناسب با آنها اصرار می‌ورزند. چنین وضعیتی باید مورد سؤال قرار گیرد؛ چون برنامه درسی کلاس‌های درس چندپایه بار سنگینی بر دوش دانش‌آموزان و معلمان خود می‌گذارند. معلمان و دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه نه‌تنها برای اجرای برنامه درسی و یادگیری یاری نمی‌شوند، بلکه از معلمان چنین کلاس‌هایی انتظار می‌رود که برنامه درسی کلاس‌های تک‌پایه را برای استفاده در چندپایه‌ها سازگار سازند و دانش‌آموزان نیز بار چنین

چندپایه است (Komings & Daul, 1997). آموزش چند پایه‌ای در همه کشورهای در حال توسعه جهان رایج است. با این حال، به این گونه آموزش در سیاست‌گذاری‌های آموزشی ملی به عنوان یک کار استثنایی، یعنی به عنوان یک وضعیت گذرا که به زودی و با توسعه آموزشی به پایان می‌رسد، نگریده می‌شود. به همین دلیل، اغلب هیچ گونه کوششی در راستای برآورده کردن نیازهای آموزشی این گونه آموزش چند پایه‌ای یک واقعیت پایا بوده است نه گذرا (Eisemon, 2000).

دلایل وجودی و علل تشکیل کلاس‌های چندپایه در کشورهای مختلف متفاوت است. کلاس‌های چندپایه از طریق افزایش دسترسی کودکان به ویژه دختران به فرصت‌های آموزشی، نقشی مهم را در کمک به کشورها در نیل به اهداف آموزشی و در جهت کاهش فقر ایفا می‌کنند (Pridmore & Son Vu, 2006). این مدارس، اغلب در مناطق دورافتاده و محروم جهان، واقع شده‌اند که در آنجا معلمان در شرایطی بسیار سخت، زندگی و کار می‌کنند و از طرف نظام آموزشی نیز چندان حمایت نمی‌شوند (Aksoy, 2008). افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم، افزایش دسترسی برای یادگیری در مدارس با تعداد معلمان ناکافی، نهایت استفاده از معلم و فضای کلاسی و استفاده اثربخش‌تر از منابع موجود از جمله دلایل اصلی وجود کلاس‌های چندپایه در بعضی از کشورها بیان شده‌اند (Little, 2005). در همین خصوص، پژوهش‌های صورت گرفته در کشور، استمرار و افزایش تعداد کلاس‌های چندپایه را به دلیل شرایط سخت محیطی، کمبود جمعیت دانش‌آموزان، کمبود نیروی انسانی و فضاهای آموزشی، مهاجرت طبیعی یا اجباری، پراکندگی روستاها و نامناسب بودن راه‌های ارتباطی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. هر چند وجود کلاس‌های چندپایه در نظام آموزشی به خودی خود به عنوان یک

آموزش و پرورش، نادیده انگاشته شده و به عبارت دیگر مغفول گردیده است؛ بنابراین هدف اصلی مطالعه حاضر، تبیین و بررسی کلاس‌های چندپایه به عنوان جنبه مغفول در برنامه درسی ملی است که از طریق استناد به برخی مفاهیم نظری و تحلیل و توصیف پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده است، به ضرورت تدوین یک برنامه درسی بومی شده برای کلاس‌های درس چندپایه و گنجاندن آن در برنامه درسی ملی می‌پردازد.

در آموزش و پرورش شرایط متنوعی در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد که متفاوت از یکدیگر بوده و برنامه‌ریزان به ویژه معلمان به مقتضای شرایط باید کار یاددهی - یادگیری را پیش ببرند. یکی از این شرایط ویژه، مدارس کوچک یا کلاس‌های چندپایه است که یک معلم مجبور است چندپایه را به طور هم‌زمان و در یک کلاس درس بدهد. این موقعیت‌ها نسبتاً رایج‌اند و معمولاً در مناطق روستایی و مدارس کپری و مدارس خاص روی می‌دهند (Mkosana & Kapesa, 2007). کلاسی را که با حضور دانش‌آموزان دو یا چندپایه تحصیلی و با تدریس یک معلم در یک اتاق درس تشکیل و اداره می‌شود، کلاس چندپایه می‌نامند (Raouferezaee, 2007). بدین صورت که چون تعداد دانش‌آموزان هر کلاس محدود است و تنها یک معلم وجود دارد و فضای آموزشی مناسب و کافی در اختیار نیست، دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف همه در یک محل و یک اتاق حضور دارند و معلم به ترتیب، در ساعات مختلف برای دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تدریس می‌کند (Emadzade, 1993). در جریان برگزاری کنفرانس جهانی آموزش برای همه در کشور تایلند (Thailand) در سال ۱۹۹۰ و سپس در شهر داکار (Dacar) در سال ۲۰۰۰، یونیسف (Unicef) را بر آن داشت تا نگاه دقیق‌تری به آموزش پایه داشته باشد و تلاش‌های خود را بر همگانی کردن آموزش و پرورش ابتدایی از طریق به کارگیری رویکردهای عملی و متنوع متمرکز کند. یکی از این راهبردها، تشکیل کلاس‌های

چالش و محدودیت تلقی می‌شود، وجود مجموعه‌ای از مشکلات، مسائل و تنگناها، عرصه ارائه خدمات آموزشی را بر معلمان و مدیران آموزشی تنگ‌تر کرده‌اند؛ شواهد پژوهشی و نتایج تحقیق‌های مرتبط با این مسئله نشان داده است که کمبود وقت، نقصان در تجربه و علم آموزگاران و عدم اطلاع آنان از شیوه آموزش و برنامه‌ریزی برای این کلاس‌ها، نداشتن طرح درس توسط معلمان، حذف یا کم‌رنگ نمودن تعدادی از دروس مانند ورزش و هنر، نامتناسب بودن ترکیب سنی و جنسی دانش‌آموزان و گرفتاری‌های خانوادگی آنان، کوچکی فضای آموزشی اغلب این کلاس‌ها، فقدان تجهیزات آموزشی مناسب در آنها، پرداختن آموزگاران این مدارس به وظایفی دیگر نظیر مدیریت، امور دفتری و ... و عدم امکان توجه انفرادی به دانش‌آموزان این کلاس‌ها توسط آموزگاران از مهم‌ترین مسائلی است که مدیریت این کلاس‌ها را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته است (Azizi & Hoseinpanahi, 2014). استفاده از سرفصل ملی آموزش تک‌پایه در موقعیت آموزش چندپایه، مشکلات متعددی را برای معلمان چندپایه به وجود آورده است. این سرفصل‌ها معمولاً برای کلاس‌های چندپایه تنظیم نشده‌اند و در مقایسه با معلمان آموزش تک‌پایه، فشار کاری بیشتری را بر معلمان چندپایه وارد می‌کنند؛ با توجه به نبود امکانات و مشکلات مدیریت در سطوح محلی، برای معلمان چندپایه مانع ایجاد می‌کنند؛ با توجه به زمان مورد نیاز برای آمادگی و نیاز به مورد توجه قرار دادن انواع نیازهای دانش‌آموزان، برای معلمان چندپایه محدودیت زمانی ایجاد می‌کنند (Birch & Lali, 2000).

آموزش چندپایه، جنبه مغفول برنامه درسی ملی

پژوهش‌های انجام شده در مورد اثربخشی تدریس کلاس‌های چندپایه، حاکی از آن است که اگر کار خوب انجام شود، دانش‌آموزان چندپایه نتایجی برابر یا گاهی بهتر از کلاس‌های تک‌پایه به دست می‌آورند. برای مثال،

یکی از مطالعات نشان داد که داده‌ها از نظر رشد علمی، کلاس‌های چندپایه را به‌عنوان یک نمونه موفق تأیید می‌کنند و آن را یک سازمان اثربخش جایگزین برای کلاس‌های تک‌پایه می‌دانند و وقتی نوبت به تأثیر بر عملکرد دانش‌آموزان می‌رسد نیز باید گفت، سازمان کلاس چندپایه بسیار قوی‌تر ظاهر می‌شود. عملکرد بیرونی دانش‌آموزان چندپایه نسبت به دانش‌آموزان تک‌پایه، در ۷۵ درصد مقیاس‌های در نظر گرفته شده، بالاتر است (Wallace & Masvet, 2005). در تدریس چندپایه یادگیری فقط جنبه رسمی ندارد بلکه یک جنبه غیررسمی و اتفاقی نیز دارد. معلمان باید این مسئله را تشخیص دهند و در تدریس خود لحاظ نمایند؛ یعنی اینکه گاهی معلم می‌تواند در هنگام تدریس و آموزش، مسائل محلی و بومی را نیز - که در کتب درسی و رسمی به آن توجه نشده - در نظر بگیرد و در کنار آموزش رسمی، مطالبی را که مهم‌تر هستند به دانش‌آموزان بیاموزد (Hajieshagh, 2004)؛ به‌عبارت‌دیگر، این همان برنامه درسی مغفول آموزش چندپایه است که اغلب از نظرها دور می‌ماند.

در بسیاری از کشورها، برنامه‌های درسی باید به‌صورت ملی اجرا شوند. برای ایجاد تعادل معمولاً انتظار می‌رود که در آموزش، الزامات مقامات دولتی در سطح استان و یا سطوح مشابه دیگر پیروی شود. در حال حاضر انتظار می‌رود که این برنامه‌های درسی را فقط در جایی که کتاب راهنمای معلم و کتابچه‌های تمرین دانش‌آموز وجود دارد، بتوان به نحو شایسته اجرا کرد. این کتاب‌ها (کتاب راهنمای معلم و کتاب تمرین دانش‌آموز) مبتنی بر فعالیت دانش‌آموزان هستند. در این کتاب‌های راهنما باید مسئله ارزیابی نیز مورد توجه قرار گیرد؛ اما ضرورتی ندارد که این کتب راهنما، ملی و سراسری باشند. معلمان و مدیران محلی نیز مسئولیت دارند تا مواد آموزشی متناسب با شرایط محلی و محیطی را تهیه و مورد استفاده قرار دهند. این مسئولیت، معلم را با محدودیت وقت برای طراحی این

درسی توسط معلمان و هماهنگ کردن آن با نیازهای کودکان و اهداف کلاس‌های چندپایه صورت نمی‌پذیرد. این مسئولیت معلم محلی است که برنامه درسی را برای دستیابی به اهداف مدرسه‌ای خاص و شرایط اجتماعی آن تعدیل کند. یک برنامه درسی رسمی، بخشی از فرایند آموزش معلمان عادی است. برنامه درسی رسمی برای آنکه در یک کلاس چندپایه نیز مؤثر باشد، باید با شرایط محلی، هماهنگی مورد نیاز را داشته باشد. این تعدیل، به اطلاعات معلم درباره دانش‌آموزان، اولیای ایشان و رفتارهای آنان در درون جامعه بستگی دارد؛ همان‌گونه که بسته به نیازهای ویژه جامعه است (Wallace & Masvet, 2005).

امروزه نمی‌توان، نقش آموزش و پرورش را برای آینده جامعه کم‌اهمیت شمرد. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، توسعه پایدار، تعالی انسانیت، صلح و دوستی همگی به آموخته‌ها و آموزه‌های آموزش و پرورش وابسته است. لیکن آموخته‌های دوران مدرسه، برای نیل به چنین اهداف متعالی، نارسا جلوه می‌کند. در نتیجه، یک بازناندیشی بنیادی در ساختار، روش‌ها، محتوا، شیوه‌های سازمان‌دهی و به‌ویژه تمرکز بر راهبردهای یادگیری که به بهسازی آموزش و پرورش منجر شود، ضرورت دارد. به‌گونه‌ای که فرد در یک فرایند دائمی، آگاهانه و مسئولانه، درگیر یادگیری شود و تعهد خود را نسبت به خودآموزی از طریق ایجاد، تقویت و تثبیت رویکرد یادگیری مداوم ارتقا دهد. در این راستا، ضرورت دارد به کلاس‌های چندپایه توجه بیشتری شود و مشکلات آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

الگوی برنامه درسی، راهنمای برنامه‌ریزان درسی برای آماده‌سازی برنامه‌های درسی برای گروه‌های مختلفی از یادگیرندگان است. الگوهای برنامه درسی با توجه به نوع نظام‌های آموزشی در سطوح مختلفی عملیاتی می‌شوند. این الگوها در هر سطحی که به اجرا درآیند دارای مزایا و محدودیت‌هایی هستند. برنامه‌ریزی درسی‌ای که در نظام آموزش و پرورش ایران انجام

برنامه‌های درسی یا طراحی مجدد برنامه‌های ملی جهت تطبیق با شرایط محلی مواجه می‌کند (Birch & Lali, 2000).

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی پیشرفت همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. به‌این‌ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد، در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهاى بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید (Fundamental Reform Document of Education, 2011). حال برای رسیدن به چنین هدفی، در عرصه تعلیم و تربیت و آموزش، باید عدالت آموزشی برقرار شود و همه دانش‌آموزان سراسر کشور با تفاوت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به‌طور یکسان دیده شوند.

برنامه درسی ملی در کشور ما برای کلاس‌های تک‌پایه طراحی شده است. حال انتظار می‌رود متون درسی را که شش معلم در مدارس عادی با مشکلات زیادی تدریس می‌کنند، یک معلم چندپایه با وجود نداشتن آموزش‌های خاص برای این کلاس‌ها، همان متون درسی را در یک کلاس چندپایه ارائه دهد و در واقع کار شش معلم را در یک کلاس انجام دهد و کلیه محتوای کتب درسی با توجه به اهداف تعریف شده در برنامه درسی ملی را بدون کم‌وکاست برای دانش‌آموزان تدریس کند. در این صورت، تعدیل برنامه

مشکلات این کلاس‌ها و ارائه راهکارهایی برای مسائل شناخته شده متمرکز شده‌اند؛ در پژوهشی به مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت‌نفس و پیشرفت درسی میان دانش‌آموزان (دختر و پسر) کلاس‌های چندپایه و عادی در دوره ابتدایی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه از حیث متغیرهای مورد نظر از میانگین تحصیلی بالاتر و عملکردی بهتر نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه‌ای بهره‌مند بوده‌اند (Madadiyeemamzade & Kadivar & Navvabinejad, 2004). در پژوهش دیگری بیان می‌شود که بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی و چندپایه در چهار درس علوم، جغرافی، فارسی و ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دانش‌آموزان عادی است (Soleymani & Haddadian & Shahrabi, 2010). پژوهش دیگری بیان می‌کند تفاوت معناداری بین نمرات دو گروه دانش‌آموزان تجمیع شده با کلاس‌های چندپایه ابتدایی مشاهده نشد و پیشرفت تحصیلی دو گروه یکسان است (Dehbandi, 2010). در پژوهش دیگر به این نکته اشاره می‌شود که بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان مدارس عادی در مهارت‌های زبان فارسی تفاوت معناداری وجود ندارد (Azizi & Hoseinpanahi, 2014). تحقیقی در توصیف ادراکات و تجربیات معلمان چندپایه دریافته است در ده مضمون اصلی علت تشکیل کلاس‌های چندپایه، مشکلات کلاس‌های چندپایه، عوامل مؤثر در افزایش بازدهی کلاس‌های چندپایه، روش‌های کنترل نظم در کلاس‌های چندپایه، مشکلات مربوط به دانش‌آموزان چندپایه، مشکلات مربوط به معلمان چندپایه، مشکلات مربوط به خانواده، مشکلات مربوط به عدم مطابقت چندپایگی با ساختار نظام آموزش فعلی و محاسن کلاس‌های چندپایه، می‌توان پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات کلاس‌های چندپایه ارائه نمود (Bashiriyehaddadan & Mahmoudi & Rezapour)

می‌شود دارای ماهیتی متمرکز است؛ و به‌طوری‌که بیشتر برنامه‌ریزان درسی اذعان دارند این نوع برنامه‌ریزی درسی، بسیاری از واقعیت‌های جوامع محلی را مورد مسامحه قرار می‌دهد (Aghazade & Attaran & Farzad & Hajihoseinnejad, 2007). برنامه درسی ملی به‌عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه‌جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد. این برنامه تحول‌آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم برای درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی است تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به‌صورت نظام‌مند و ساختاریافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه دوست‌داشتنی را به تصویر بکشاند (National Curriculum, 2012). باوجوداین برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی، برای برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان در مدارس عادی تدارک دیده شده و دانش‌آموزان مدارس چندپایه نادیده گرفته شده‌اند. این در صورتی است که کلاس‌های چندپایه به دلیل شرایط خاصشان از یک‌سو و درگیر بودن بخش قابل‌توجهی از دانش‌آموزان در این سیستم آموزشی از سوی دیگر نیازمند طراحی برنامه درسی ویژه این کلاس‌هاست که از برنامه درسی کلاس‌های عادی مجزا باشد.

تحقیقات گذشته مرتبط با موضوع

پژوهش‌های انجام شده در خصوص پدیده کلاس‌های چندپایه در داخل کشور، بیشتر بر شناسایی مسائل و

فعالیت‌های کلاس‌های چندپایه، به حمایت مستمر برای توسعه منابع و آموزش بیشتر معلمان، نیازمند است؛ آنان همچنین نتیجه گرفته‌اند که برای برگزاری اثربخش کلاس‌های چندپایه، به تعهدی همه‌جانبه نیاز است و زمانی امکان‌پذیر است که برنامه‌ای مناسب از طریق مشارکت تمامی افراد ذی‌نفع طراحی و اجرا شود (Hussain and Retallik, 2005). آیکمن و ال هاج (Aikman and el Haj, ۲۰۰۶)، ضمن بررسی چالش‌های دسترسی به کیفیت بالای آموزشی برای کودکان چادرنشین و عشایر دافور سودان در مدارس چندپایه بر ضرورت سرمایه‌گذاری برای مدارس چندپایه سیار و همچنین تدارک منابع کافی برای پشتیبانی از این کلاس‌ها و افزایش اثربخشی آنها تأکید می‌کنند (Aikman and el Haj, 2006). لیتل (Little, ۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان یادگیری و آموزش در ساختار چندپایه، از لحاظ اهمیت کلاس‌های چندپایه و فواید حضور دانش‌آموزان مناطق محروم در چنین کلاس‌هایی نتیجه می‌گیرد که مدیریت کارآمدتر این کلاس‌ها می‌تواند در تحقق اهداف برنامه «آموزش برای همه» بسیار مؤثر، واقع شود (Little, 2005). همچنین بر پایه مطالعات کورنیش (Cornish, ۲۰۰۶)، به‌رغم اینکه والدین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، هنوز از جهاتی در خصوص حضور فرزندانشان در این کلاس‌ها نگران هستند، آنها از بهبود عملکرد علمی و اجتماعی فرزندان خود در این کلاس‌ها رضایتشان را اعلام کرده‌اند (Cornish, 2006). رودگر آدامز (Rodger Adams, ۲۰۱۰) در تحقیقات آموزشی که در مناطق روستایی کشور کانادا انجام داده است به واقعیت‌هایی در خصوص مدارس چندپایه در این کشور پی برده است. مدارس چندپایه از نظر فضای آموزشی بسیار کوچک‌تر از مدارس تک‌پایه بوده و همچنین تعداد دانش‌آموزان این مدارس نسبت به مدارس تک‌پایه کمتر است. این مدارس در خارج از محیط اصلی روستا (خارج از مرکز روستا) واقع شده است؛ و این بدان دلیل است که

(Adib, 2016). پژوهش دیگری دریافته است که طی یادگیری ضمنی در کلاس‌های چندپایه، بین ترکیب‌های متفاوت دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه از نظر پیشرفت تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد (Khakzad & Dehghani & Razi, 2016). تحقیقی به این موضوع اشاره می‌کند که به‌منظور اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آموزش برای همه، باید به کلاس‌های چندپایه به‌عنوان یک فرصت نگریست؛ بنابراین، به‌منظور تسهیل یادگیری و بهبود عملکرد در کلاس‌های چندپایه، به‌کارگیری فناوری آموزشی یکی از راه‌های مؤثر در مدیریت این‌گونه کلاس‌ها محسوب می‌گردد (Enayati & Zamani & Movahedian, 2016).

برخلاف رویکرد تحقیق‌های داخلی، پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور در خصوص موضوع این پژوهش، بیشتر بر سنجش آثار فعالیت‌های آموزشی و یادگیری و تعامل‌های دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه بر همدیگر تمرکز داشته‌اند. نیلور (Naylor, ۲۰۰۰) در فراتحلیلی در خصوص کلاس‌های چندپایه، بیان می‌کند باوجود اینکه مسئولیت آموزشی معلمان در کلاس‌های چندپایه، مشکل‌تر و سنگین‌تر از کلاس‌های تک‌پایه است، دستاوردهای آموزشگاهی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه از کلاس‌های مستقل، کمتر نیست (Naylor, 2000). مطالعات هارگریوز (Hargreaves, ۲۰۰۱) نشان می‌دهند که در کلاس‌های چندپایه، بیشتر بر ارتقای کیفیت یادگیری از طریق گروه و توانایی‌های گروهی و آسان‌سازی مسئولیت فردی دانش‌آموزان، تمرکز می‌شود تا ارتقای دانش‌آموزان به پایه‌های بعدی. از نظر او، معلمان کلاس‌های چندپایه برای رویارویی با چالش‌های موجود در اداره این کلاس‌ها به کارورزی و آشنایی با مثال‌ها و نمونه‌هایی موفق از کلاس‌های مزبور نیاز دارند (Hargreaves, 2001). نتایج مطالعات حسین و رتالیک (Hussain and Retallik, ۲۰۰۵) نشان داده‌اند که پیچیدگی

همین علت تعداد معلمان حرفه‌ای در این نحوه تدریس بسیار کم است. این سیستم آموزشی به دلیل انعطاف‌پذیر بودن، دانش‌آموزانی که از هوش و استعداد برتری نسبت به سایرین برخوردارند را قادر می‌سازد تا مراحل آموزشی را سریع‌تر طی کنند (Rodger Adams, 2010). در ادامه بحث، خلاصه‌ای از دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد آموزش چندپایه، در قالب یک جدول ارائه می‌گردد.

اکثریت ساکنین این محلات، مهاجرین هستند. او دریافته است این نحوه از آموزش در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه کاربردی مناسب دارند با این تفاوت که امکانات هر کشور با کشور دیگر در نحوه اجرا و آموزش تأثیر بسزایی دارد. برای مثال در کشور کانادا، معلمان این مدارس، آموزش‌های زیاد و ویژه‌ای برای تدریس طی می‌کنند (به‌خصوص آموزش از راه دور). دوره تدریس این معلمان بسیار کوتاه است و این شاید به دلیل پراکندگی سطوح درسی چندپایه باشد؛ و به

جدول ۱. خلاصه‌ای از دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد آموزش چندپایه

ردیف	صاحب‌نظر	سال	دیدگاه مربوط به آموزش چندپایه
۱	نیلور	۲۰۰۰	برابری دستاوردهای آموزشی کلاس‌های چندپایه با کلاس‌های مستقل علیرغم مسئولیت آموزشی سنگین معلمان در این کلاس‌ها.
۲	هارگریوز	۲۰۰۱	تمرکز بیشتر بر ارتقای کیفیت یادگیری از طریق گروه و توانایی‌های گروهی و آسان‌سازی مسئولیت فردی دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه تا ارتقای دانش‌آموزان به پایه‌های بالاتر.
۳	حسین و رتالیک	۲۰۰۵	تأکید بر حمایت مستمر، توسعه منابع آموزش بیشتر معلمان و طراحی برنامه‌های مناسب از طریق مشارکت تمامی افراد به دلیل پیچیدگی فعالیت‌های کلاس‌های چندپایه.
۴	لیتل	۲۰۰۵	مدیریت کارآمدتر کلاس‌های چندپایه می‌تواند در تحقق اهداف برنامه «آموزش برای همه» بسیار مؤثر واقع شود.
۵	آیکمن و آل هاج	۲۰۰۶	تأکید بر ضرورت سرمایه‌گذاری برای مدارس چندپایه سیار و همچنین تدارک منابع کافی برای پشتیبانی از این کلاس‌ها و افزایش اثربخشی آنها.
۶	کورنیش	۲۰۰۶	نتایج تحقیقات او نشان داده است والدین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، بهبود عملکرد علمی و اجتماعی فرزندان خود در این کلاس‌ها رضایت دارند.
۷	رودگر آدامز	۲۰۱۰	امکانات کشورهای مختلف در نحوه اجرا و آموزش کلاس‌های چندپایه تأثیر بسزایی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

گرفت. برنامه درسی ملی مهم‌ترین پروژه اجرایی و مطالعاتی حوزه برنامه درسی در کشور است. این سند چون به سفارش مراجع عالی تصمیم‌گیری تدوین شده است پس از تصویب در این مراجع وجه رسمی و قانونی پیدا کرده و هدایت‌کننده تحولات آتی در خصوص برنامه درسی در سطح ماقبل دانشگاه خواهد بود. برنامه درسی ملی با ارائه یک الگوی جدید هدف‌گذاری شامل پنج عنصر (تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) در چهار عرصه ارتباطی (با خود، خدا، خلق، خلقت) اقتضات کاملاً جدیدی را برای مؤلفه‌های برنامه‌درسی

با تصویب سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در هشتادویست‌وششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، بخش‌های مختلف نظام آموزشی کشور مخاطب این سند تحولی قرار گرفتند. بر اساس این سند، تحول در زیر نظام برنامه درسی یکی از الزامات عملی برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده بود و لذا طراحی و تدوین برنامه‌درسی ملی به‌عنوان نقشه راه نظام برنامه درسی در دستور کار متولیان آموزش و پرورش قرار

حال آنکه کلاس‌های چندپایه جزء جدایی‌ناپذیر از آموزش کشور ماست و باید مانند دیگر بخش‌های این نظام آموزشی، از برنامه درسی ملی تبعیت کند. این در حالی است که در سند برنامه درسی ملی فقط به کلاس‌های تک‌پایه توجه شده و جایگاهی برای آموزش چندپایه وجود ندارد و می‌توان گفت عدالت آموزشی به‌طور مساوی رعایت نشده است. این در حالی است که هم معلم چندپایه و هم دانش‌آموزانی که در حال تحصیل در این کلاس‌ها هستند، با مسائلی روبرو می‌شوند که دانش‌آموزان عادی با این مسائل سروکار ندارند. آموزش چندپایه نیاز به برنامه درسی سازگار با دانش‌آموزان و معلمان چندپایه دارد که در این راستا باید برنامه درسی ملی بازنگری شود. در این سند، لازم است برای آموزش چندپایه، برنامه‌ای مبتنی بر نیازهای کلاس‌های چندپایه نوشته شود که بتواند بستری فراهم آورد تا دانش‌آموزان کشور در این مدارس، هنگام فراگیری، امکان تعامل با دیگر هم‌تایان خود را داشته باشند و بتوانند مانند سایر دانش‌آموزان در مدارس عادی به‌طور کامل به اهداف آموزشی دست یابند.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری در برنامه درسی ملی و لحاظ کردن آموزش چندپایه در آن به‌طور مجزا.
- تعدیل برنامه درسی ملی توسط معلمان چندپایه به‌عنوان متخصصین آموزش چندپایه‌ای؛ زیرا برنامه درسی رسمی برای آنکه در یک کلاس چندپایه نیز مؤثر باشد، باید با شرایط محلی کلاس چندپایه، هماهنگی مورد نیاز را داشته باشد.
- با ایجاد اعتماد، برنامه‌های آموزشی، پرورشی و ترویجی، سازگارسازی برنامه درسی ملی با کلاس چندپایه با توجه به نیازهای جامعه، حمایت فرهنگی اقتصادی و اجتماعی، روحیه مشارکت اولیا در تدوین برنامه درسی ویژه آموزش چندپایه افزایش داده شود.
- در برنامه درسی ملی، آموزش چندپایه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شود که منجر به بهبود وضعیت

(رویکرد، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری، ارزشیابی، ...) و برنامه آموزشی ایجاد می‌کند. در نظام آموزشی ما، شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان، دانش و مهارت موردنظر برای یادگیری و به‌طورکلی خط‌مشی‌های آموزشی و تربیتی از طریق سند برنامه درسی ملی تعیین و تعریف می‌شود.

کلاس‌های چندپایه حدود ۱۵ درصد از مدارس ابتدایی کشور را در برمی‌گیرند (Aghazade & Fazli, 2005) که با توجه به روند رو به رشد مهاجرت روستاییان به شهرها و به حدنصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان برای تشکیل کلاس‌های مستقل در مناطق یادشده، افزایش تعداد این کلاس‌ها در آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ به همین دلیل، لازم است متولیان نظام آموزشی کشور، در راستای ارتقای سطح کیفیت فعالیت‌های آموزشی در این کلاس‌ها اهتمام و با تدابیری مناسب از این وضعیت چالش‌انگیز، به‌عنوان فرصتی آموزشی در جهت افزایش کارایی این کلاس‌ها بهره‌گیرند.

از طرف دیگر در کلاس‌های چندپایه علاوه بر توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، به آنان اجازه داده می‌شود که متناسب با سطح رشد خود پیشرفت کنند؛ افزون بر آن، برخلاف کلاس‌های درس متداول که رقابت را به دانش‌آموزان تحمیل می‌کنند، در این کلاس‌ها به دلیل تفاوت در سطوح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و وجود انتظارهای متفاوت در میان آنان، دانش‌آموزان این کلاس‌ها کمتر احساس رقابت دارند، زیرا دانش‌آموزان این کلاس‌ها بیش از یک سال را در یک کلاس به سر می‌برند، روابط اجتماعی خود را با سایر همکلاس‌ها و معلم خود تحکیم می‌بخشند و در نتیجه، وقتی که مدارس در راستای طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب‌تر پیشرفت می‌کنند، دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، رشدی بیشتر را از خود نشان خواهند داد؛ چنین دستاوردهایی با مبانی نظریه‌های یادگیری و نظریه رشد شناختی انطباق دارند (Kadivar & et al, 2005; Vincent, 1999).

Birch, I; Lali, M. (2000). Multigrade teaching in primary school. Translation: P, Jafari. Tehran: Farashenakhtiyeh Andishe.

Blum, N. and Diwan, R. (2007), Small, Multigrade Schools and Increasing Access to Primary Education in India, National Context and NGO Initiatives, CREATE PATHWAYS TO ACCESS, Research Monograph No17, CREATE: Brighton.

Berry, C. (2002), Multigrade Teaching, A Discussion Document, Paper Presented at Commonwealth Secretariat Multigrade Workshop, Gaborone, July 19-21.

Cornish, L(2006), Parents' Views of Composite Classes in an Australian Primary School, The Australian Educational Researcher, Vol 33(2), pp. 123-142.

Dehbandi,z. (2010). Compare integration students' academic performance with multigrade classes in primary schools in the Mazandaran province and provide appropriate solutions to the proper authorities. Unpublished MA Thesis. (Persian).

Eisemon, T. (2000).Strategies to reduce the frequency of base. Translation: M, Hamidi. Tehran: Pajouheshkadeye Talim o Tarbiyat.

Eisner, Elliot(1998), Educational Imagination, On the Design and Evaluation of School Programs, Macmillan College Publishing, N. Y.

Emadzade, M. (1993). Discussion of the economic of education. Esfahan: Jahade dsneshgahi. (Persian).

Enayati, T; Zameni,F; Movahedian, M. (2016). Classroom Management Strategies of Multigrade Schools with Emphasis on the Role of Technology. Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences. Vol. 7, No. 2, pp 165-179.

Hajieshagh, S. (2004). Teaching-learning process in multigrade classes. Tehran: Kouroshchap. (Persian).

Hargreaves, E. (2001), Assessment for learning in multi-grade classroom, International Journal of Education Development, Vol 21(6), pp. 553-560.

Hussain, R. & Retallik, J. (2005), Teaching and learning in multi-grade classes, In. Retallik, J, and Farah, I. Transforming schools in Pakistan, towards the learning community, Oxford, Oxford University Press.

Kadivar, P. et al. (2005), Effectiveness of Multi-Grade Classes, Cooperative Learning as a

کلاس‌های چندپایه به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی، بهبود کیفی آموزش، بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بهبود کارایی و سودمندی آموزش و سرانجام ارتباط بین جامعه و مدرسه گردد.

منابع

Aikman, S. and el Haj, H. (2006). EFA for pastoralists in north Sudan: A mobile multigrade model of schooling. In. Little, A. W. (ed.). Education for all and multi-grade teaching: challenges and opportunities, Dordrecht, Pp. 193-211.

Aghazade, M. (2016). An applied guide to the new teaching methods. Tehran: Meraat. (Persian).

Aghazade, M; Fazli, R. (2005). The guide for teaching in multigrade classroom. Tehran: Ayiizh. (Persian).

Aghazade, M; Attaran, M; Farzad, V; Hajihoseinnejad, GH. (2007). Design and validate the model adaptation national curriculum for multigrade classroom. Journal of Curriculum Studies, Vol, 2, No,6, P 5. (Persian).

Aksoy,N(2008). Multigrade Schooling in Turkey: An Overview, International Journal of Educational Development, Vol 28(2), pp. 218-228.

Alikhani, M; Mehrmohammadi, M. (2005). Investigate unintended outcomes (hidden curriculum) caused by the social environment of Isfahan high schools and presenting strategies for reducing their negative effects. Journal of Training & Learning Researches. Vol, 12, No, 12, Pp 39-48.

Azizi, N; Hoseinpanahi, Kh. (2014). Compare the academic achievement of students in second grade elementary of multigrade classes with normal students in persian language skills. Journal of Training & Learning Researches. Vol, 20, No,3, Pp 179-194. (Persian).

Bashiriyehaddadan, G, Mahmoudi, F; Rezapour, Y; Adib, Y. (2016). Description of experiences And perceptions of teachers and experts from education in multigrade classes of primary school in Kaleybar of rural areas. Journal of Training & Learning Researches. Vol, 22, No, 7, Pp 107-120. (Persian).

Key Element of Success, Proceeding of World Academy of Science, Engineering and Technology, Volume 8 October. (Persian).

Khakzad, F; Dehghani, M; Razi, j. (2016). Comparison of implicit learning and academic achievement in multiple grade classes in primary schools. Journal of Applied Psychological Research Quarterly. 7(1), Pp 41-56. (Persian).

Komings, W; Daul, F. (1997). Improving the quality of primary education in transition countries. Translation: M, Moshtagh. Tehran: Aghigh.

Little, A.W. (2006), Education for All and Multigrade Teaching, Challenges and Opportunities, Dordrecht, Springer.

Little, W. A. (2005), Learning and teaching in multi-grade setting, paper prepared for the UNESCO 2005 EFA Monitoring Report, Accessed November, 19, 2007 at: <http://unesco.org/images/0014/001466/146665e.pdf>.

Lockheed, M; Verspoor, A. (1992). Quantitative expansion and qualitative improvement of primary education in developing countries. Translation: S.J, sajjadiye; H, Mohammadalizade Henji. Tehran: Madrese.

Madadiyeemamzade, Z; Kadivar, P; Navvabinejad, Sh. (2004). Investigate and compare social skills, self-esteem and academic achievement between students of multigrade and single base classes (primary schools). Journal of Research on issues of education. No 1-2, Pp 27-44. (Persian).

Mehrmohammadi, M & et al. (2008). Curriculum Theories, Approaches and Perspectives. Tehran: Samt. (Persian).

Ministry of Education of Islamic Republic of Iran. (2011). Fundamental Reform Document of Education. Supreme Council of Education. (Persian).

Ministry of Education of Islamic Republic of Iran. (2012). National Curriculum. Supreme Council of Education. (Persian).

Mkosana, C; Kapesa, M. (2007). Multigrade teaching: introduction to multigrade teaching. Translation: M, Aghazade. Tehran: Ayiizh.

Mortazavizade, H & et al. (2018). Analyze teachers' views on executive problems Descriptive qualitative evaluation plan in Multigrade classrooms and provide solutions to solve them. Research in Curriculum Planning. 15(30): 80-93. (Persian)

Naylor, C. (2000), Split-Grade and Multi-Age classes, a review of the research and consideration of the B.C. Context, Accessed, January, 15, 2008 at: <http://bctf.ca/publications/ResearchReports.aspx?id=5560>.

Pridmore, P. & Son Vu, W. T. (2006), Adapting the Curriculum for Teaching Health in multigrade Classes in Vietnam, In. Little, A. W. (ed.). Education for all and multigrade teaching, challenges and opportunities, Dordrecht, Pp. 169-191.

Raouferezaee, R. (2007). Planning, teaching and managing multi-grade classes. Tehran: Iran. (Persian).

Reese, D. (1998), Mixed-age grouping: What does the research say, and how can parents use this information? Parent News Archive, Vol 5, pp. 1-4.

Samadiyan, S. (2006). Method of organizing and teaching multigrade classes. Tehran: Moallef. (Persian).

Shel, T. A. (2007), Gender and Inequity in Education, Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report, Paris, UNESCO.

Soleymani, N; Haddadian, A; Shahrabi, K. (2010). Investigate and compare academic achievement and social skills of students of multigrade and normal classes in elementary schools. Quarterly journal of educational leadership & administration. Vol, 4, No,4, Pp 129-144. (Persian).

Vincent, S. (ed). (1999), The Multi-grade Classroom, A Resource Handbook for Small, Rural Schools, Book 1, Review of Research on Multi-grade Instruction, Portland, Northwest Regional Educational Laboratory.

Wallace, J.S; Masvet, G.B. (2005). Handbook for multigrade teachers. Translation: A, Zarafshan. Tehran: Madrese.